

نشریه مطالعات حقوق تطبیقی
دوره ۵، شماره ۱،
بهار و تابستان ۱۳۹۳
صفحات ۸۷ تا ۱۰۹

مداخله در اموال مسروقه در حقوق کیفری ایران و انگلستان

۱. سیدمحمد حسینی*

دانشیار گروه حقوق جزایی و جرم‌شناسی دانشکده حقوق علوم و سیاسی دانشگاه تهران

۲. امیر اعتمادی

دانشجوی دکتری حقوق جزایی و جرم‌شناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۱

چکیده

مداخله در اموال مسروقه در هر دو نظام حقوقی ایران و انگلستان به عنوان جرمی مستقل پذیرفته شده است. ارتکاب این جرم به صورت ضمنی حمایت‌کننده اعمالی است که عنوان جرم سرقت را به خود گرفته‌اند؛ باوجود این سیاست کیفری قانون‌گذار ایران به نحوی است که امکان مبارزه مؤثر با مداخله‌کنندگان در اموال مسروقه را فراهم نمی‌سازد. به تعبیر دیگر، مقایسه دو نظام حقوقی ایران و انگلستان این موضوع را روشن می‌کند که جرم‌انگاری مداخله در اموال مسروقه، هم از لحاظ عنصر مادی جرم و هم از نظر میزان مجازات مقرر قانونی، دچار محدودیت‌هایی است که با رفع آنها می‌توان به مبارزه مؤثرتر با عوامل پشت پرده سرقت‌ها دست زد و به این وسیله، ضمن اعمال واکنش مناسب نسبت به مداخله‌کنندگان، به کاهش جرم سرقت نیز همت گماشت. در این مقاله، با تحلیل تطبیقی جرم مداخله در اموال مسروقه، سعی شده است ضمن بررسی ارکان مختلف جرم، راهکارهایی برای سیاست کیفری مناسب‌تر پیشنهاد شود که از جمله می‌توان به افزایش مجازات این جرم و گسترش قلمرو رفتارهای فیزیکی آن اشاره کرد.

واژگان کلیدی

اموال مسروقه، سرقت، مداخله در اموال مسروقه.

مقدمه

جرم سرقت یکی از مهم‌ترین جرایم مالی است که فراوانی ارتکاب آن قابل توجه می‌باشد. یکی از دلایلی که باعث افزایش ارتکاب سرقت شده، عملیاتی است که بعد از اتمام این جرم روی مال یا اموال مسروقه صورت می‌گیرد. به تعبیر دیگر، عملیات یادشده که به صورت‌های مختلفی از جمله تحصیل، مخفی کردن و معامله شدن محقق می‌شود، با بالا بردن منفعت ناشی از جرم سرقت، افزایش ارتکاب آن را دامن می‌زند. این اعمال که با عنوان (مداخله در اموال مسروقه) شناخته شده‌اند، از سوی فرد یا افرادی غیر از سارق انجام می‌شود(هرچند که در زمینه برخی از مصادیق آن اختلاف نظر وجود دارد). در واقع، در شرایطی که یکی از اعمال متصرفانه از سوی خود سارق انجام گیرد، از آنجا که عمل انجام شده اصولاً لازمه یا پیامد سرقت تلقی می‌شود، محکوم کردن شخص به ارتکاب دو جرم سرقت و مداخله در اموال مسروقه امکان‌پذیر نیست. با این حال، لازم است ابتدا جرم سرقت ارتکاب یابد و سپس شخص دیگری غیر از سارق اعمال بعدی را بر روی مال یا اموال مسروقه صورت دهد و به تبع آن، به اتهام جرم مداخله در اموال مسروقه تحت تعقیب قرار گیرد.

این احتمال وجود دارد که مردم عادی جرم مداخله را در مقایسه با سرقت سبک‌تر تلقی کنند، اما این رویکرد نادرست است و دلیل آن هم به انگیزه‌های اقتصادی برمی‌گردد که مداخله‌کنندگان در سارقان ایجاد می‌کنند. افزون‌براین، مداخله‌کننده نیز (مانند سارق) برای خود نسبت به اموال مسروقه حق مالکیت قائل شده است و این موضوع وجه اشتراک دو جرم سرقت و مداخله تلقی می‌شود (Clarkson, 2005, PP. 247 & 248). براین اساس، لازم است با مداخله‌کننده برخورد قاطعی شود تا در نتیجه، جرم سرقت در نظر افراد، کم‌منفعت و پرخطر جلوه کند و در پی آن، ارتکاب جرم کاهش یابد. به‌دیگرسخن، ضمن مقابله با عوامل پشت پرده یا محرک سرقت‌ها، به نحوی در کاهش جرم سرقت نیز گام برداشته شود. با این حال، نگاهی به رویکرد قانون‌گذار ایران در مقایسه با قانون‌گذار انگلیسی، حاکی از آن است که سیاست کیفری قانون‌گذار ایران دارای نواقصی است که لازم است برای رفع آنها گام برداشته شود.

با توجه به این مطالب و با دقت به این موضوع که مداخله در اموال مسروقه در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان جرم‌انگاری شده است، مقایسه این دو نظام حقوقی می‌تواند نواقص مقررات مربوط را تا حدی روشن سازد. پرسش‌های مدنظر به قرار زیرند: عناصر مادی و روانی جرم مداخله در اموال مسروقه در هر یک از دو نظام حقوقی ایران و انگلستان از چه اجزایی تشکیل شده‌اند؟ مجازات این جرم در دو نظام حقوقی

یادشده چه میزانی است؟ چه تفاوت‌هایی میان این دو نظام حقوقی وجود دارد؟ راهکار یا راهکارهای مناسب‌تر برای سیاست کیفری ایران کدام‌اند؟

در پاسخ به پرسش‌های مطرح شده، بعد از بررسی عنصر قانونی جرم مداخله در هر یک از دو نظام حقوقی ایران و انگلستان، اجزا و عناصر مادی و روانی جرم مداخله را تحلیل کرده، سپس به میزان مجازات این جرم اشاره می‌کنیم. سرانجام با توجه به وجوه افتراق و اشتراک دو نظام حقوقی، راهکار یا راهکارهای پیشنهادی را بررسی خواهیم کرد.

۱. پیشینه قانون‌گذاری و عنصر قانونی مداخله در اموال مسروقه

از آنجایی که بررسی سیر تاریخی مقررات جاری می‌تواند نواقص آنها را تا اندازه‌ای روشن سازد، در این قسمت از پژوهش، به پیشینه قانون‌گذاری جرم مداخله در اموال مسروقه در هر یک از دو نظام حقوقی ایران و انگلستان می‌پردازیم. بعد از اشاره به این موضوع، عنصر قانونی این جرم در مقررات جاری دو نظام حقوقی تبیین می‌شود.

در خصوص پیشینه قانون‌گذاری در نظام حقوقی ایران، جرم‌انگاری مداخله در اموال مسروقه، نخست در قالب ماده ۲۳۰ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ متبلور شد. در این ماده قانونی، قلمرو جرم مداخله محدود به (مخفی کردن اشیاء مسروقه) شده بود. در سال ۱۳۴۴ش، ماده یادشده اصلاح گردید و تحصیل یا قبول نمودن مال مسروقه و نیز معامله کردن آن، تحت شمول جرم مداخله قرار گرفت.

بعد از وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و تلاش قانون‌گذار در راستای تطبیق قوانین با شرع، قانون تعزیرات ۱۳۶۲ به تصویب رسید. قانون‌گذار در این قانون، ماده ۱۱۰ را به این جرم اختصاص داد، اما قلمرو اعمالی را که در مفهوم (مداخله) جای می‌گرفت، تغییر نداد. سرانجام قانون‌گذار در سال ۱۳۷۵ش مقررات مربوط به تعزیرات را بازنگری کرد و در نتیجه در این سال قانون تعزیرات ۱۳۷۵ به تصویب رسید. در این قانون، ماده ۶۶۲ به جرم مداخله اختصاص دارد که در ادامه متن این ماده آورده می‌شود. آنچه که در مقام مقایسه این ماده با ماده ۱۱۰ به آن توجه شده، این است که قانون‌گذار صرفاً به تغییر برخی عبارات ماده قانونی قدیم و نیز مجازات جرم پرداخته است. به تعبیر دیگر قلمرو اعمالی که در جرم مداخله قابل بررسی هستند، تغییری نکرده است.

در مقابل در حقوق انگلستان، جرم‌انگاری مداخله در اموال مسروقه در ماده ۲۲ (قانون سرقت سال ۱۹۶۸م) (Theft Act 1968) مورد نظر قانون‌گذار انگلیسی قرار گرفته است. این قانون که در ۱۹۹۶م اصلاحاتی را به خود دیده است، در زمینه جرم یادشده

بدون تغییر باقی مانده است. به تعبیر دیگر، اصلاحات یادشده مربوط به دیگر بخش‌های قانون بوده و معطوف به جرم مداخله نبوده است. در هر حال، با توجه به اینکه در نظام حقوقی کشور انگلستان، آرای دادگاه‌ها در موارد مشابه قبلی (کامن لا) دارای اهمیت می‌باشند، افزون بر قانون یادشده، برخی از آرای دادگاه‌های انگلستان نیز در خصوص جرم مداخله درخور توجه است.

اما در زمینه عنصر قانونی جرم یادشده، ابتدا باید این مطلب را یادآور شد که باوجود اینکه عنصر قانونی هر جرمی در واقع تبیین‌کننده عناصر مادی و روانی آن است و لذا ذکر آن به‌طور مستقل چندان ضروری نیست؛ با این حال، از آنجا که ارائه مفهوم دقیقی از جرم مربوطه به این عنصر وابسته است و در واقع در تعریف جرایم نیز از اصل قانونی بودن (Principle of Legality) پیروی می‌شود (که این اصل با عنصر قانونی جرم در ارتباط است)، لذا در اینجا به ذکر ماده قانونی‌ای که به عنوان عنصر قانونی جرم مداخله شناخته می‌شود، بسنده می‌کنیم:

در نظام حقوقی ایران، ماده ۶۶۲ (ق.ت) مصوب ۱۳۷۵ ش به جرم مداخله در اموال مسروقه اختصاص یافته است. قانون‌گذار در این ماده اعلام می‌دارد:

«هر کس با علم و اطلاع یا با وجود قراین اطمینان‌آور به اینکه مال در نتیجه سرقت به‌دست آمده است، آن را به نحوی از انحا تحصیل یا مخفی یا قبول نماید یا مورد معامله قرار دهد، به حبس از شش ماه تا سه سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد. در صورتی که متهم معامله اموال مسروقه را حرفه خود قرار داده باشد به حداکثر مجازات در این ماده محکوم می‌گردد».

در همین جا لازم است یادآوری شود که باوجود تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ش، با توجه به اینکه ماده ۶۶۲ جزئی از قانون دائمی تعزیرات می‌باشد، مفاد آن تغییری نکرده و با توجه به تبصره ۴ ماده ۱۹ «ق.م.ا» ۱۳۹۲، میزان مجازات مقرر در آن نیز همچنان به قوت خود باقی است. البته مجازات این جرم از حیث اعمال تأسیساتی مانند تعلیق اجرای مجازات یا تعویق صدور حکم، با در نظر گرفتن تبصره‌های ۲ و ۳ ماده یادشده، تعزیر از درجه ۵ به‌شمار می‌آید.

قانون‌گذار انگلیسی نیز در بند ۱ از ماده ۲۲ قانون سرقت ۱۹۶۸ م اعلام داشته است: «یک شخص مداخله در اموال مسروقه می‌کند، اگر (در غیر از جریان سرقت) با علم یا باور به اینکه آن اموال مسروقه هستند، با سوءنیت اموال را تحصیل کند یا در نگهداری، جابه‌جایی، اداره یا تبدیل به پول کردن آنها توسط دیگری یا به نفع دیگری مساعدت کرده یا این امور را عهده‌دار شود و یا اینکه ترتیبات انجام امور یادشده را فراهم سازد».

کلیه اجزای عناصر جرم مداخله با توجه به این حکم قانون‌گذار انگلیسی قابل تبیین هستند. با وجود این، حقوق‌دانان انگلیسی در بحث از جرایم مختلف، عنصر قانونی جرم را به صورت مستقلی مطرح نمی‌کنند. به تعبیر دیگر، به هنگام بررسی عناصر مادی و روانی هر جرمی، به ذکر آن بخش از عنصر قانونی که به بحث مربوط می‌شود، اکتفا می‌کنند. با این حال، به تبعیت از رویکرد شناخته شده در حقوق ایران و با توجه به لزوم تطبیق عنصر قانونی جرم مداخله در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان، به این عنصر از جرم یاد شده نیز به صورت مستقل توجه شده است.

۲. عنصر مادی مداخله در اموال مسروقه

عنصر مادی جرم شامل سه جزء رفتار فیزیکی (Physical conduct)، شرایط لازم برای تحقق جرم (Surrounding circumstances)، و نتیجه مجرمانه (Result) است. البته جزء سوم صرفاً در جرایم مقید (Result crimes) مدنظر می‌باشد که لازم است میان آن و جزء اول (یعنی رفتار فیزیکی) رابطه سببیت (Causal link) برقرار باشد. بر این مبنا و با توجه به اینکه در جرم مداخله در اموال مسروقه، نتیجه خاصی مدنظر نیست، این جرم را می‌توان از جرایم مطلق (Action crimes) به‌شمار آورد (For Further Reading See Molan, 2008, P. 55). توضیح آنکه صرف ارتکاب هریک از رفتارهای فیزیکی، با وجود سایر شرایط لازم، می‌تواند جرم را محقق سازد و نیازی به تحقق نتیجه خاصی نیست. با توجه به این توضیحات، در ادامه، اجزای عنصر مادی جرم مداخله در حقوق ایران و حقوق انگلستان بررسی می‌شود:

۲.۱. رفتار فیزیکی

در حقوق ایران، رفتار فیزیکی جرم مداخله در اموال مسروقه در قالب چهار صورت متصور است که عبارت‌اند از: تحصیل، مخفی کردن، قبول کردن و معامله کردن مال مسروق. این مصادیق رفتار فیزیکی که هریک به‌طور مستقل می‌توانند جرم یاد شده را محقق سازند، با توجه به نحوه انشای ماده ۶۶۲ «ق.ت.» ۱۳۷۵ ش. حصری می‌باشند؛ به تعبیر دیگر، سایر مصادیق قابل تصور از رفتارهای فیزیکی از جمله جابه‌جایی اموال مسروقه یا انهدام آنها، از شمول ماده یاد شده خارج و حسب مورد ممکن است با وجود سایر شرایط، مشمول دیگر مواد قانونی قرار گیرند. البته با توجه به عبارت (به نحوی از انحا) در ماده ۶۶۲ «ق.ت.» ۱۳۷۵، به نظر می‌رسد که از دیدگاه قانون‌گذار، انواع شیوه‌هایی که برای انجام رفتارهای فیزیکی متصور است، مشمول ماده اخیر می‌شود؛ به این شرط که موجب خروج رفتار از مفهوم هریک از مصادیق رفتارهای

فیزیکی نشود. بنابراین، باوجود اینکه مصادیق رفتارهای فیزیکی محدود هستند، اما راه‌های ارتکاب آنها قلمرو نسبتاً وسیعی دارند.

درهرحال، وجه اشتراکی که برای تمامی رفتارهای فیزیکی جرم مداخله قابل گفتن است، به نوع رفتار فیزیکی مربوط می‌شود؛ به‌این معنا که کلیه مصادیق رفتارهای فیزیکی این جرم از نوع فعل مثبت می‌باشند و ترک فعل نمی‌تواند هیچ‌یک از رفتارهای فیزیکی این جرم را محقق سازد. دلیل این مطلب را باید در مصادیق رفتار فیزیکی این جرم که قانون‌گذار به آنها اشاره کرده است، جستجو کرد.

در زمینه مفهوم هریک از مصادیق رفتارهای فیزیکی جرم مداخله، مطالبی وجود دارد که به آنها اشاره می‌شود:

- منظور از تحصیل مال مسروق، به‌دست آوردن و دراختیار گرفتن است؛ به هر نحوی از انحا.

- مخفی کردن مال مسروق به معنای نگهداری آن از سوی مرتکب در جایی امن است تا از کشف احتمالی قضیه جلوگیری نماید. در خصوص این مصداق از رفتار فیزیکی جرم مداخله، برخی بر این باورند که انجام آن از طریق ترک فعل نیز متصور است و مثالی در این زمینه می‌آورند؛ به این شرح که سارقی مالی را به دوست خود می‌دهد تا آن را برای او مخفی کند؛ بی‌آنکه مسروقه بودن مال را به وی اطلاع دهد. بعد از مدتی سارق حقیقت را بازگو می‌کند، اما مخفی‌کننده همچنان مال را نگه می‌دارد و از اطلاع دادن به پلیس یا صاحب مال خودداری می‌کند (ر.ک. زراعت، ۱۳۸۵، صص ۲۰۲ و ۲۰۳). این نظر دارای اشکال است و دلایل آن را می‌توان به شرح زیر بیان داشت:

نخست اینکه مخفی کردن مال مسروق از رفتارهای مستمر تلقی می‌شود که در طول زمان ادامه می‌یابد. براین‌اساس، هنگامی که این استمرار دوام خود را حفظ کند، هر زمان عنصر روانی جرم (یعنی همان علم مرتکب) به آن ملحق شود، جرم محقق شده است و نیازی به فعل یا ترک فعل دیگری نیست.

دوم، خودداری از اطلاع‌دادن به پلیس یا صاحب مال در مثال پیش‌گفته به عنوان جزئی از فرآیند تحقق جرم محسوب شده و این در حالی است که قبل از آن جرم محقق شده است؛ زیرا همان‌طور که اشاره شد، فعل مثبت مخفی کردن که در گذشته آغاز شده است، هنوز استمرار آن قطع نشده و به محض تقارن با عنصر روانی لاحق، جرم را محقق می‌کند.

- قبول کردن مال مسروق یعنی پذیرفتن مال به عنوان هدیه، امانت و مانند این‌ها.

- معامله کردن مال مسروق، شامل خرید و فروش و وساطت در خرید و فروش مال

مسروق می‌شود.

در خصوص کلیه مصادیق اشاره شده، برخی معتقدند که تمامی این مصادیق به نگهداری برمی‌گردد، زیرا کسی که مال مسروق را معامله یا به نحو دیگری تحصیل می‌کند، یا مال را در اختیار دارد یا در اختیار قرار خواهد داد؛ بنابراین نگهداری و اخفای مال مسروق به ضرورت در تمامی مصادیق یادشده وجود دارد (ر.ک. حبیب‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۲۵۴؛ حبیب‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۲۹). در این زمینه به نظر می‌رسد که باوجود قابل تصور بودن نگهداری و اخفا در بیشتر موارد، اعمال یادشده لزوماً و همواره متصور نخواهند بود. با مثالی می‌توان به تبیین این موضوع پرداخت. فرض کنید شخصی مالی را به دلیل قیمت پایین آن و با علم به مسروقه بودن برای فرزند خود از سارق خریداری می‌کند. فرزند این شخص که هنگام معامله همراه اوست، بعد از پایان معامله، مال را دریافت می‌کند تا از آن استفاده کند. در این فرض، معامله را پدر انجام داده است (مداخله در اموال مسروقه) و رفتار فرزند به اندازه‌ای نیست که بتوان او را شریک جرم تلقی کرد. بنابراین، پدر یکی از رفتارهای فیزیکی جرم مداخله را انجام داده است؛ بدون آنکه عملش نگهداری یا اخفا را شامل شود. این مطلب را هم باید افزود که صرف دست به دست کردن مال میان پدر و فرزند، معنای اعمال پیش گفته را نمی‌رساند.

در حال، در حقوق انگلستان رفتار فیزیکی لازم برای تحقق جرم مداخله در اموال مسروقه به ۱۸ نوع مختلف قابل تحقق است؛ البته جرم واحد محسوب می‌شود، اما رفتارهای متعددی برای ارتکاب آن قابل تصور است (For Further Analysis See Phillips et al, 2001, P. 270 & Huxley-Binns, 2009, P. 159). این جرم تا قبل از تصویب قانون سرقت ۱۹۶۸م، در نظام کامن‌لا صرفاً شامل «تحصیل اموال» می‌شد، اما هم‌اکنون شیوه‌های ارتکاب آن متفاوت است. برای تبیین بهتر موضوع می‌توان تمامی رفتارهای مربوطه را به صورت زیر فهرست کرد:

- تحصیل اموال مسروقه (Receiving stolen goods)؛
- برعهده گرفتن نگهداری اموال مسروقه به نفع دیگری (Undertaking the retention of stolen goods for the benefit of another)؛
- برعهده گرفتن جابه‌جایی اموال مسروقه به نفع دیگری (Undertaking the removal of stolen goods for the benefit of another)؛
- برعهده گرفتن اداره اموال مسروقه به نفع دیگری (Undertaking the disposal of stolen goods for the benefit of another)؛
- برعهده گرفتن وظیفه تبدیل اموال مسروقه به پول به نفع دیگری (Undertaking the realization of stolen goods for the benefit of another)؛
- مساعدت در نگهداری اموال مسروقه توسط دیگری (Assisting in the retention of stolen goods by another)؛

- مساعدت در جابه‌جایی اموال مسروقه توسط دیگری
(Assisting in the removal of stolen goods by another)
- مساعدت در اداره اموال مسروقه توسط دیگری
(Assisting in the disposal of stolen goods by another)
- مساعدت برای تبدیل اموال مسروقه به پول توسط دیگری
(Assisting in the realization of stolen goods by another)
- ترتیب انجام هر یک از امور بالا را فراهم کردن
(Arranging to do any one of the above)

مورد اخیر از رفتارهای یادشده، خود شامل ۹ رفتار می‌شود. به تعبیر دقیق‌تر، فراهم کردن مقدمات انجام هر یک از موارد ۹ گانه قبل از آن، می‌تواند به عنوان یکی از رفتارهای فیزیکی جرم مداخله قلمداد شود و به این نحو مجموعاً ۱۸ رفتار فیزیکی را تشکیل می‌دهند. مفهوم بیشتر رفتارهای فیزیکی تشکیل‌دهنده جرم یادشده از جمله جابه‌جایی و تبدیل به پول کردن اموال مسروقه روشن می‌باشد و برخی هم به علت مشترک بودن با نظام حقوقی ایران، به مناسبت تبیین شدند و لذا نیازی به توضیح بیشتری ندارند؛ باوجود این، یادآوری چند نکته ضروری است:

- نخست اینکه تحصیل مال هنگامی محقق می‌شود که اموال مسروقه به تصاحب مداخله‌کننده درآید؛ یعنی مال (یا اموال) تحت کنترل انحصاری فرد (Exclusive control) قرار گیرد. مداخله‌کننده ممکن است با شخص دیگری به صورت مشترک اموال مسروقه را تصاحب کند؛ به عبارت دیگر، در کنترل انحصاری او فرد دیگر سهیم شود (Card, 2006, P. 458; Herring, 2005, P. 289). همچنین ممکن است شخصی مال سرقت شده را بدون رضایت سارق از تصرف وی درآورد؛ در این حالت نیز (تحصیل) محقق شده است.

- دوم، اداره کردن اموال مسروقه در معنای زیر قیمت فروختن اموال (Dumping)، توزیع کردن اموال (Giving away) و انهدام (Destruction) آنهاست (See Jefferson, 2009, P. 662).

- سوم، فراهم کردن ترتیبات انجام رفتارهای مربوطه. باید در نظر داشت از آنجا که سرقت قبلی اموال لازمه جرم مداخله است، هرگونه توافقی که قبل از سرقت صورت گیرد، جرم مداخله در اموال مسروقه را محقق نخواهد کرد؛ اگرچه ممکن است جرم مستقلی مانند تبانی برای مداخله کردن [در اموال مسروقه] (Conspiracy to handle) محسوب شود (See Card, op. cit., P. 461). براین اساس، کلیه رفتارهای فیزیکی جرم مداخله باید بعد از سرقت اموال صورت گیرد و فراهم کردن ترتیبات انجام

اموری چون جابه‌جایی اموال و... از این قاعده مستثنا نیستند. در این خصوص، می‌توان فردی را تصور کرد که توافق می‌کند وانت‌باری را برای حمل اموال مسروقه و سارق راهی کند؛ در این فرض، ترتیب کمک به دیگری در جابه‌جایی اموال مسروقه داده شده و رفتار فیزیکی مربوطه نیز بعد از اتمام جرم سرقت انجام گرفته است.

در اینجا ممکن است پرسشی به ذهن خطور کند مبنی بر اینکه آیا مداخله در اموال مسروقه به وسیله ترک فعل (By an omission) نیز محقق می‌شود؟ در پاسخ به این پرسش باید قائل به تفکیک شد؛ توضیح آنکه هر چند کلمات «تحصیل»، «برعهده گرفتن» و «فراهم کردن» (مذکور در بند ۱ ماده ۲۲ قانون سرقت ۱۹۶۸م) حاکی از آن است که مداخله با فعل مثبت (Positive act) قابل تحقق است، اما در خصوص واژه «مساعدت»، به نظر می‌رسد که شامل ترک فعل نیز می‌شود. البته شرط این است که فرد وظیفه‌ای قانونی داشته باشد (A legal duty to act) ولی آن را انجام ندهد؛ در این صورت، ترک فعل محقق شده است. در این راستا، دعوی «براون» به سال ۱۹۷۰م (Brown [1970]) قابل توجه می‌باشد. در این پرونده، متهم به دیگری اجازه می‌دهد که اموال مسروقه را در میان اموال او جای دهد. دادگاه در این خصوص اظهار داشت که «نگهداری» [به عنوان یکی از رفتارهای فیزیکی جرم مداخله] به معنای حفظ کردن تصاحب [نسبت به اموال مسروقه] است، نه ازدست دادن آن؛ یعنی استمرار داشتن بر اساس دلایل موجود در پرونده یادشده، متهم مجرم شناخته نشد؛ چراکه وی وظیفه فاش کردن این واقعیت را که اموال مسروقه‌ای در میان دارایی او وجود دارد، نداشت (For Further Reading See Jefferson, op. cit., P. 663).

۲.۲. شرایط و اوضاع و احوال لازم

در حقوق ایران، برای تحقق جرم مداخله، وجود دو شرط زیر ضروری است:

- ارتکاب قبلی سرقت از سوی شخصی غیر از سارق؛

- مسروقه بودن اموال موضوع جرم.

شرط اول را می‌توان به عنوان پیش‌شرط جرم مداخله در نظر گرفت. به این معنا که برای محکومیت فردی به این جرم، لازم است قبل از آن، فرد دیگری مال یا اموالی را بریاید و عمل سرقت کامل شده باشد؛ سپس دیگری در این اموال مداخله کند. بر این اساس، مرتکب جرم مداخله شخصی غیر از سارق است و اگر سارق مال مسروقه را به‌طور مثال مخفی کند، جرم مداخله از سوی او محقق نخواهد شد. دلیل این موضوع آن است که مخفی کردن مال مسروق اصولاً لازمه سرقت تلقی می‌شود و شخصی که مالی را سرقت می‌کند، برای انجام اقدامات بعدی روی آن، مال را پنهان می‌سازد. در این

خصوص ممکن است گفته شود که اگر کسی مال غیر را برباید و سپس به دیگری بفروشد، مرتکب تعدد مادی جرم شده است (سرقت و مداخله در مال مسروق)؛ لذا مطلب پیش گفته قابل انتقاد است. برخی از حقوق دانان نیز با تفکیک قائل شدن میان رفتارهای فیزیکی جرم مداخله، بر این باورند که انجام برخی از مصادیق جرم مداخله غیر از اخفا، از سوی سارق هم متصور است؛ زیرا اخفا تقریباً در تمامی سرقت‌ها وجود دارد، اما دیگر مصادیق لزوماً این گونه نیستند و دلیلی برای معاف دانستن سارقی که این اعمال را نسبت به مال مسروق انجام می‌دهد از شمول ماده ۶۶۲ «ق.ت. ۱۳۷۵» وجود ندارد (ر.ک. میرمحمد صادقی، ۱۳۸۱، صص ۳۱۸ و ۳۱۹).

در پاسخ به انتقاد مطرح شده، باید گفت که با وجود اینکه فرض یادشده مصداق تعدد جرم است، اما با مطلب قبل از آن قابل جمع به نظر می‌رسد. توضیح بیشتر اینکه، عناوین مجرمانه اعمال یادشده عبارت‌اند از: سرقت و انتقال مال غیر (نه سرقت و مداخله در مال مسروق). براین اساس، اقدام به فروش مال مسروق از سوی سارق مشمول ماده ۶۶۲ «ق.ت.» ۱۳۷۵ نخواهد شد. در این راستا در قسمتی از نظریه ۷/۵۹۰۶ اداره حقوقی قوه قضاییه به تاریخ ۱۳۸۳/۸/۴ آمده است:

«... اگر سارق، مال مسروق را بفروشد مرتکب دو جرم شده است (سرقت و فروش مال مسروق) و لذا باید به اتهام ارتکاب هر دو جرم تعقیب و به هر دو مجازات مربوط محکوم و جمع دو مجازات درباره وی اجرا شود»؛

از این گذشته، انتقاد و دیدگاه اشاره شده با توجه به دلایل زیر قابل رد است: نخست اینکه تأکید ماده ۶۶۲ بر «علم و اطلاع» یا «قراین اطمینان آور» صراحت بر توجه ماده به غیر از سارق دارد. به تعبیر دیگر، در جرایم مداخله و سرقت، تعدد فاعل مطرح است و قیود یادشده در خصوص سارق متصور نیست؛ چراکه هر سارقی لزوماً علم به مسروقه بودن مال موضوع جرم ارتکابی دارد.

دوم، رفتارهای فیزیکی تحصیل و قبول کردن در خصوص سارقان قابل تحقق نیست؛ زیرا آنان مال را به وسیله ربایش در اختیار خود گرفته، تحصیل یا قبول کردن متعاقب آن بی‌معناست. از سوی دیگر، معامله کردن مال مسروق از جانب سارق، همان‌طور که گذشت، با وجود دیگر شرایط، مشمول عنوان مجرمانه «انتقال مال غیر» می‌باشد (نیز ر.ک. ماده ۱ «قانون راجع به انتقال مال غیر ۱۳۰۸ و نظریه شماره ۷/۴۲۳۱ از اداره حقوقی قوه قضاییه به تاریخ ۱۳۷۸/۸/۱۸) و مقررات درباره فروش و انتقال مال غیر، شامل اموال مسروقه نیز می‌گردد (ر.ک. نظریه مشورتی ۷/۵۳۵۴ از اداره حقوقی قوه قضاییه به تاریخ ۱۳۶۷/۹/۸).

بنابراین، با توجه به دلایل یادشده، باید قائل به آن شد که ماده ۶۶۲ شامل سارق

نمی‌شود. به تعبیر دیگر، موارد اشاره شده دلالت بر آن دارند که جرم مداخله مربوط به شخصی غیر از سارق است و برای شمول آن نسبت به سارقان دلیل محکمی وجود ندارد. لذا می‌توان گفت که هرگونه عقیده‌ای مبنی بر شمول ماده ۶۶۲ به سارق، خلاف ظاهر ماده قانونی بوده و نیازمند دلیل متقن یا صراحت قانونی است. در واقع، اصل بر عدم شمول آن نسبت به سارقان است و از سوی دیگر، اینکه ماده قانونی یادشده به شخصی غیر از سارق نظر دارد، امری بدیهی بوده، نیازمند دلیل نیست.

با توجه به توضیحات پیش گفته، باید افزود که در شرایطی که سارق رفتارهای فیزیکی جرم مداخله را انجام دهد، عنوان مجرمانه دوم، مداخله در اموال مسروقه نخواهد بود؛ یعنی به جز معامله کردن، مجموعاً مشمول عنوان مجرمانه واحدی می‌گردند و در آنجایی هم که مال مسروق از سوی خود سارق معامله شود، عنوان مجرمانه مداخله نیست و با عنوان انتقال مال قابل بررسی نمی‌باشد. فلسفه وضع ماده قانونی یادشده و اصل تفسیر مضیق قوانین جزایی نیز مؤید این رویکرد است (برای مشاهده نظر موافق ر.ک. گلدوزیان، ۱۳۸۸، صص ۳۹۴ و ۳۹۵؛ زراعت، پیشین، ص ۲۰۳).

در نتیجه، محکوم کردن فردی به دو جرم سرقت و مداخله (نسبت به مال واحدی) وجاهت قانونی ندارد؛ هرچند که ممکن است بتوان فرد را زیر دو عنوان معاونت در سرقت و جرم مداخله تحت تعقیب قرار داد و محکوم کرد. از این رو، باید در نظر داشت که مداخله در اموال مسروقه در زمانی بعد از جرم سرقت متصور است؛ به تعبیر دیگر، اگر فردی هنگام انجام سرقت، یکی از رفتارهای فیزیکی جرم مداخله را مرتکب شود، باوجود سایر شرایط، ممکن است در جرم سرقت مشارکت کرده باشد (شرکت در جرم)، اما به جرم مداخله محکوم نخواهد شد.

در خصوص شرط دوم، باید در نظر داشت که جرم مداخله تنها در اموال ناشی از سرقت قابل تحقق است. این شرط به آن معناست که با توجه به لزوم پایبندی به اصل قانونی بودن جرایم، تحصیل، اخفا، قبول کردن و معامله کردن اموال حاصل از دیگر جرایم از جمله کلاهبرداری و خیانت در امانت، جرم موضوع ماده ۶۲۲ «ق.ت.» ۱۳۷۵ قلمداد نمی‌شود؛ هرچند که با شرایطی مشمول عنوان مجرمانه مستقلی گردد، مانند آنچه در ماده ۲ «قانون مجازات مرتکبان ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری» ۱۳۶۷ یا ماده ۱ «قانون درباره انتقال مال غیر» ۱۳۰۸ آمده است.

در اینجا ممکن است پرسشی به ذهن خطور کند، مبنی بر اینکه آیا برای تحقق شرط یادشده، نوع خاصی از سرقت ملاک است؟ همچنین آیا کلیه موضوعاتی که

ذیل فصل بیست و یکم قانون تعزیرات ۱۳۷۵ آمده است؛ از جمله جرایم موضوع مواد ۶۶۰ (استفاده غیرمجاز از آب، فاضلاب، برق، گاز و تلفن) و ۶۶۵ (ربودنی که سرقت نیست)، می‌تواند این شرط را محقق سازد؟ در پاسخ به این پرسش‌ها باید قائل به تفکیک شد؛ با این توضیح که در شرایطی که عمل مربوطه به صراحت از سوی قانون‌گذار سرقت نامیده شده است، اعم از سرقت حدی (ر.ک. ماده ۲۶۸ «ق.م.ا» ۱۳۹۲)، تعزیری ساده (ماده ۶۶۱ «ق.ت» ۱۳۷۵) یا سرقت‌های تعزیری مشدد (موضوع مواد ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۴، ۶۵۶، ۶۵۸ و ۶۵۹ «ق.ت» ۱۳۷۵)، عمل ارتكابی مشمول اطلاق واژه «سرقت» در ماده ۶۶۲ شده، لذا دومین شرط از جرم مداخله را محقق می‌سازد. اما در خصوص موضوعاتی که واجد عنوان مجرمانه خاص هستند، مانند ماده ۶۵۳ (راهزنی)، ماده ۶۵۷ (کیف‌زنی و جیب‌بری و امثال آن) و مواد یادشده در پرسش دوم، باید قائل به آن شد که با نظر به اینکه ماده ۶۶۲ از «سرقت» سخن به میان آورده است و موارد دسته دوم هر یک عنوان مجرمانه خاصی را دارا هستند و با لحاظ تفسیر مضیق و به نفع متهم قوانین جزایی، اعمال ارتكابی‌ای که مشمول مواد یاد شده می‌شوند، نمی‌توانند شرط دوم لازم برای جرم مداخله را تحقق بخشند. از سوی دیگر، در نظریه شماره ۷/۴۰۵۹ از اداره حقوقی قوه قضاییه به تاریخ ۱۳۸۳/۵/۲۵ (درباره قلمرو مشمول منع تخفیف مجازات مقرر در تبصره ماده ۶۶۶ «ق.ت» ۱۳۷۵) آمده است: «ربودن و دزدیدن و جیب‌بری و کیف‌زنی و امثال آن، عرفاً از مصادیق سرقت (غیر واجد شرایط حد) است و لذا منع تخفیف مجازات مقرر در تبصره ذیل ماده ۶۶۶ «ق.م.ا» شامل مصادیق مشمول ماده ۶۵۷ قانون مزبور هم می‌شود»؛

با وجود این، همان‌طور که اشاره شد، با توجه به اینکه در حقوق کیفری باید از تفسیر موسع مواد قانونی پرهیز شود، به نظر می‌رسد دیدگاه عرفی یادشده در بخش نخست این نظریه، چندان قابل تکیه نیست و دیدگاه اولیه پیش‌گفته، ارجح می‌باشد.

اما در حقوق انگلستان، افزون بر لزوم ارتكاب قبلی سرقت که در هر دو نظام حقوقی ایران و انگلستان، به عنوان یکی از شرایط لازم برای تحقق جرم مداخله قابل ذکر می‌باشد، شرایط دیگری برای محقق شدن این جرم ضروری است که عبارت‌اند از: مسروقه بودن اموال موضوع جرم و انجام هر یک از رفتارهای فیزیکی جرم در غیر از جریان سرقت. شرح این دو شرط را در ذیل بررسی خواهیم کرد:

در خصوص شرط اول، باید گفت که این شرط به نوعی با شرط لزوم ارتكاب قبلی سرقت مرتبط است؛ توضیح آنکه مسروقه بودن اموال زمانی قابل تصور است که سرقتی انجام گرفته باشد. با وجود این، در نظام حقوقی انگلیس، مفهوم مسروقه بودن اموال در جرم مداخله دارای معنای عام‌تری بوده، صورت‌های متفاوت را دربر می‌گیرد. قبل از

پرداختن به این صورت‌ها، ذکر این مطلب ضروری است که اموال با توجه به پاراگراف «ب» از بند ۲ ماده ۳۴ قانون سرقت ۱۹۶۸ م (S. 34 (2) (b) of the Theft Act 1968)، شامل زمین (Land) نمی‌شود. به عبارت دیگر، زمین از مفهوم مال (در جرم مداخله) خارج است؛ هر چند وجه نقد و دیگر گونه‌های مال و نیز مواردی که برای زمین به کار گرفته می‌شوند، از جمله الوار (Timber) یا مواد معدنی (Minerals)، در مفهوم اموال جای گیرند (See also Herring, op. cit., P. 286; Geary, 2002, PP. 104 & 105). البته ناگفته پیداست که موارد یادشده باید به سرقت روند تا موضوع جرم مداخله قرار گیرند. در هر حال، اموال ذیل می‌توانند جرم مداخله در اموال مسروقه را محقق کنند:

- اموالی که به معنای واقعی به سرقت رفته‌اند [سرقت ساده] (Goods that have actually been stolen);

در این مورد مقام دادستانی باید اثبات کند که اموال مربوط به سرقت رفته‌اند. یکی از شیوه‌های اثبات این موضوع آن است که مقام تعقیب ثابت کند که شخص دیگری قبلاً به جرم سرقت محکوم شده است؛ در صورتی که این موضوع امکان‌پذیر نباشد، مقام یادشده می‌تواند با تکیه بر نشانه‌ها و اوضاع و احوال قضیه (Circumstantial evidence)، ثابت کند اموالی که از سوی متهم مداخله شده، در حقیقت مسروقه بوده است. از جمله امارات یادشده می‌توان به قیمت پایین اموال موضوع جرم یا خصوصیات مشترک این اموال با اموالی که سرقت آنها گزارش شده است، اشاره کرد (See Herring, op. cit., P. 286).

در این خصوص دادستانی نمی‌تواند به باور شخص متهم (Accused's own belief) استناد کند؛ به این معنا که متهم تصور کرده که اموال مسروقه‌اند و در آنها مداخله کرده است. در این حالت، ممکن است تصور متهم مطابق با واقع نباشد؛ یعنی اموال مسروقه نباشند. در این فرض، برخی از حقوق‌دانان انگلیسی بر این باورند که می‌توان متهم را زیر عنوان شروع به مداخله در اموال مسروقه (An attempt to handle stolen goods) تحت تعقیب قرار داد (See Heaton, 2006, P. 379)؛ اما به نظر می‌رسد که این حالت بیشتر با عنوان جرم محال (Impossible offence) مطابقت داشته باشد.

- اموال به دست آمده از راه سرقت مقرون به آزار، ورود غیرمجاز به ملک غیر برای ارتکاب جرم، فریبکاری و اخاذی (Goods obtained by robbery, burglary, deception and blackmail);

قانون‌گذار انگلیسی، مفهوم «اموال مسروقه» را به اموال ناشی از ارتکاب جرایم یادشده در این بند تعمیم داده است. براین اساس، با توجه به مواد ۱۵ و ۲۱ از قانون

سرقت ۱۹۶۸م، اموالی که از طریق جرایم یادشده به دست آیند، داخل در مفهوم اموال مسروقه می‌باشند و در نتیجه می‌توانند موضوع جرم مداخله در اموال مسروقه واقع شوند. البته مورد اول از این جرایم نوعی سرقت مشدد محسوب می‌شود، اما در خصوص سایر موارد، اطلاق عنوان سرقت صحیح نیست.

- عوائد حاصل از فروش اموال مسروقه (The proceeds of the stolen goods)؛

با توجه به بند ۲ ماده ۲۴ قانون سرقت ۱۹۶۸م، در مواردی که متهم مال مسروق را به فروش برساند، وجهی که در مقابل آن دریافت می‌کند نیز مشمول جرم مداخله می‌شود؛ به تعبیر دیگر، شخص در این وجه نیز مداخله‌کننده در مال مسروق محسوب می‌شود (Jefferson, op. cit., P. 661; Cook et al; op. cit., P. 186). البته همان‌طور که اشاره شد، اموال مسروقه باید واقعاً مسروقه باشند؛ به‌دیگرسخن، صرف باور متهم بر مسروقه بودن آنها (وقتی که واقعاً مسروقه نباشند) کفایت نمی‌کند. این شرط به‌اندازه‌ای دارای اهمیت است که در دعوی «هوتن علیه اسمیت» به سال ۱۹۷۵م (Houghton v [1975] Smith)، فردی که به اشتباه تصور می‌کرد اموال مسروقه هستند، محکوم به جرم مداخله نشد و اتهام وی به شروع به مداخله در اموال مسروقه تغییر یافت (See Jefferson, op. cit., P. 661). این موضوع تا حد زیادی گستره جرم مداخله را توسعه می‌دهد، به‌نحوی که اگر سارق مال مسروق را به فروش برساند، وجهی که در برابر آن دریافت می‌کند نیز مسروقه قلمداد می‌شود. همچنین اگر او وجه دریافتی را به شخص دیگری انتقال دهد، انتقال‌گیرنده نیز ممکن است باوجود سایر شرایط، به مداخله در اموال مسروقه محکوم شود (Heaton, op. cit., PP. 380 & 381).

اما در خصوص شرط دوم، بخش نخست بند ۱ ماده ۲۲ قانون سرقت ۱۹۶۸م اعلام می‌دارد که تمامی اشکال رفتارهای فیزیکی مداخله از جمله تحصیل یا فراهم کردن مقدمات تحصیل مال مسروق باید در غیر از جریان سرقت (Otherwise than in the course of the stealing) انجام گیرند. این شرط از این جهت در نظر گرفته شده است که سارقان لزوماً مداخله‌کننده قلمداد نشوند (Heaton, op. cit., P. 384; Geary, op. cit., P. 106). توضیح بیشتر آنکه، قانون‌گذار انگلیسی با آوردن این شرط در ماده یادشده، سعی کرده است از این تفسیر که هر سارقی مداخله‌کننده نیز می‌باشد، جلوگیری کند.

در صورت نبود این شرط، دو نفر یا بیشتر که به صورت مشترک مرتکب سرقت شوند، ممکن است با شرایطی، افزون بر سرقت، به جرم مداخله هم محکوم شوند. برای مثال، هنگامی که شخص «الف» اموالی را از انبار فروشگاه می‌رباید و به دست شخص

«ب» می‌دهد تا آنها را داخل وانت‌باری بگذارد، شخص «ب» اموال مسروقه را تحصیل کرده است. در این مثال، هر دو نفر جابه‌جایی اموال را عهده دار شده یا به یکدیگر کمک کرده‌اند (Heaton, op. cit., P. 385; Childs, 2005, PP. 107 & 108).

۳. عنصر روانی مداخله در اموال مسروقه

افزون بر عنصر مادی جرم که اجزای آن در بند پیشین بررسی شد، احراز عنصر روانی نیز ضروری است. براین اساس، در ذیل عنصر روانی جرم مداخله را در نظام حقوقی ایران و انگلستان بررسی می‌کنیم:

در ایران، با توجه به ماده ۶۶۲ «ق.ت.» ۱۳۷۵ و به کار رفتن واژگان «علم و اطلاع» و «قراین اطمینان‌آور» در آن، لازم است که مرتکب جرم مداخله در هنگام انجام هر یک از رفتارهای فیزیکی این جرم، علم به مسروقه بودن مال داشته باشد یا اینکه به دلیل وجود قراین اطمینان‌آور، ظن برای او ایجاد شود که مال مسروقه است. منظور از قراین اطمینان‌آور، مواردی است مانند عرضه کالا به قیمتی ارزان‌تر از قیمت واقعی، که در مواردی جانشین علم و اطلاع مداخله‌کننده شده، به همراه عنصر مادی، جرم مداخله را محقق می‌سازد.

بنابراین سوءنیت خاصی در جرم مداخله مدنظر قانون‌گذار قرار نگرفته است. توضیح آنکه، عنصر روانی برخی جرایم از دو جزء سوءنیت عام (General intent) و سوءنیت خاص (Specific intent) تشکیل شده است؛ سوءنیت خاص یعنی عمد در انجام رفتار فیزیکی جرم موردنظر و سوءنیت خاص یعنی قصد نتیجه. حال در خصوص جرم مداخله، صرف عمد در انجام هریک از رفتارهای فیزیکی تحصیل، اخفا، قبول کردن و معامله کردن مال مسروقه کفایت می‌کند و سوءنیت خاصی لازم نیست. مطلق بودن جرم یادشده نیز می‌تواند مؤید این دیدگاه باشد، زیرا در جرایم مطلق، حصول نتیجه مجرمانه از رفتار مرتکب ضروری نیست و قانون‌گذار صرف ارتکاب عامدانه رفتار موردنظر را جرم‌انگاری کرده است؛ براین اساس، نداشتن قصد نتیجه، معافیت مرتکب را در پی نخواهد داشت. البته تفکیک جرایم به مطلق و مقید، بر حسب عنصر مادی آنهاست و سوءنیت خاص جزئی از عنصر روانی جرایم قلمداد می‌شود؛ با این حال، با توجه به توضیح پیش‌گفته، رابطه این دو مقوله آشکار می‌شود.

همچنین به نظر می‌رسد که با توجه به قید «اطمینان‌آور» در عبارت مربوطه از ماده ۶۶۲ «ق.ت.» ۱۳۷۵، ظنی می‌تواند جایگزین علم و اطلاع مرتکب گردد که صفت «قوی» را بتوان بر آن بار کرد؛ یعنی احتمال ضعیفی مبنی بر اینکه مال

مسروقه باشد، باید به نفع متهم تفسیر کرد و از شمول مفهوم ظن قوی خارج دانست. برای تشخیص این نوع ظن، می‌توان اوضاع و احوال قضیه و قضاوت عرف را لحاظ کرد.

اما در انگلستان، عنصر روانی جرم مداخله از دو جزء تشکیل شده است: اول، عملی که به عنوان مداخله انجام می‌گیرد باید فی نفسه توأم با سوءنیت باشد؛ و دوم، متهم در زمان انجام عمل، علم یا باور داشته باشد که اموال مسروقه هستند. معنای واژه «با سوءنیت» ممکن است تا اندازه‌ای بحث‌انگیز باشد. توضیح بیشتر آنکه، شخصی که علم یا باور به مسروقه بودن اموال دارد، قاعدتاً عمل خود را با سوء نیت انجام می‌دهد؛ لذا ذکر این قید در ماده ۲۲ قانون سرقت ۱۹۶۸م ضروری به نظر نمی‌رسد. در خصوص این موضوع، در دعوی «رابرتس» به سال ۱۹۸۷م (Roberts [1987])، مقرر شد که فردی که اموال مسروقه را با علم به اینکه مسروقه هستند، تحصیل کند و سپس آنها را بفروشد، عمل را با سوءنیت انجام داده است (See Herring, (op. cit., PP. 290 & 291).

نبود شرط یادشده می‌تواند یک دفاع به‌شمار آید؛ یعنی در مواردی که شخصی با علم و آگاهی اموال مسروقه را تحصیل می‌کند، اما قصد دارد آنها را به صاحب مال یا مأمور صالحی مانند پلیس برگرداند، عمل با سوءنیت محسوب نشده، متهم از جرم مداخله برائت حاصل خواهد کرد. بنابراین، صرف علم یا باور متهم بر مسروقه بودن اموال کفایت نکرده، مقام تعقیب افزون بر آنها باید ثابت کند که متهم در زمان مداخله، عمل را توأم با سوءنیت انجام داده است. در این راستا در دعوی «گش» به سال ۱۹۸۲م (Ghosh [1982])، دادگاه تجدیدنظر (Court of Appeal) معیاری ذهنی (Subjective test) را برای تشخیص سوءنیت در نظر گرفت که در موارد مشابه ملاک قرار می‌گیرد. بر این مبنای، برای اثبات با سوءنیت بودن عمل از سوی دادستانی، نخست هیئت منصفه باید تشخیص دهد که بر اساس معیارهای افراد متعارف جامعه، عمل انجام‌شده توأم با سوءنیت بوده است یا خیر. در صورتی که به این شکل، عمل توأم با سوءنیت تلقی نشود، موضوع خاتمه یافته، مقام تعقیب در اثبات موضوع با شکست مواجه شده است. حال اگر بر طبق معیارهای یادشده، عمل با سوءنیت به‌شمار آید، لازم است که هیئت منصفه بررسی کند که آیا خود متهم متوجه بوده که با توجه به معیارهای پیش‌گفته، آنچه انجام داده، توأم با سوءنیت بوده است یا خیر (Card, op. cit., P. 391; Elliott & Quinn, 2010, P. 221; Herring, 2010, P. 85 & 86).

حال اگر متهم به این امر پی نبرده باشد، عمل او با سوءنیت نیست و در صورتی که این موضوع را تشخیص داده باشد، عمل توأم با سوءنیت تلقی می‌شود. در بیشتر مواردی

که اعمال متهم بر اساس معیارهای افراد متعارف به روشنی با سوءنیت تلقی می‌شود، هیچ شبهه‌ای در اینکه وی می‌دانسته عملش با توجه به معیارهای یادشده دارای این ویژگی است، به وجود نخواهد آمد. البته باید در نظر داشت که این موضوع به آن معنا نیست که باور شخصی متهم در تشخیص این موضوع ملاک می‌باشد. به تعبیر دیگر، متهم نمی‌تواند به عنوان دفاع اظهار دارد که هرچند به توأم با سوءنیت بودن عمل از نظر افراد متعارف آگاه بودم، اما شخصاً عمل را دارای چنین ویژگی‌ای محسوب نمی‌کردم. در مقابل، اعلام این مطلب که نمی‌دانستم آنچه انجام دادم از نظر افراد متعارف با سوءنیت تلقی می‌شود، می‌تواند یک دفاع به‌شمار آید (Card, op. cit., P. 391). بنابراین آنچه ملاک است، باور یا معیار شخصی متهم نیست، بلکه درکی است که او از معیارهای افراد متعارف جامعه داشته است.

جزء دوم عنصر روانی جرم مداخله، عبارت است از علم یا باور به مسروقه بودن اموال (Knowledge or belief that the goods are stolen). این موضوع که یک ضابطه ذهنی قلمداد می‌شود، باید در زمان مداخله محرز باشد. به عبارت دیگر، اگر متهم بعد از دریافت اموال متوجه شود که آنها مسروقه هستند، جرم مداخله محقق نخواهد شد. اما اگر چنین متهمی فرضاً آنها را بفروشد، ممکن است به عنوان اینکه ترتیب اداره اموال را به نفع دیگری فراهم کرده است، به جرم مداخله در اموال مسروقه محکوم شود (Jefferson, op. cit., P. 665; Baird, 2010, P. 211).

البته باید توجه داشت که صرف احتمال مسروقه بودن اموال از سوی متهم کفایت نمی‌کند. همچنین، اینکه موضوع برای هر شخص متعارفی بدیهی بوده، دلیلی بر آن نیست که متهم نیز لزوماً باور داشته است که اموال مسروقه‌اند. دادگاه‌های انگلستان واژه «علم و آگاهی» را نه تنها به معنای علم حقیقی که به مفهوم علم درجه دوم (Knowledge of second degree) نیز تفسیر کرده‌اند؛ یعنی همان «غمض عین تعمدی» (Wilful blindness). البته این نوع علم به خودی خود کفایت نمی‌کند، بلکه ممکن است اماره‌ای محسوب شود بر اینکه متهم در واقع باور داشته است که اموال مسروقه‌اند. از همین مطلب می‌توان استنباط کرد که واژه «باور داشتن» نوعی حشو می‌باشد، چراکه علم درجه دوم آن را نیز شامل می‌شود (Heaton, op. cit., P. 387; Ashworth, 2009, PP. 389 & 390).

یکی از دعاوی‌ای که در خصوص «باور داشتن» به آن استناد می‌شود، دعوی است با عنوان «هول» در سال ۱۹۸۵م (Hall [1985]). در این پرونده، دادگاه تجدید نظر ضابطه‌ای را برای تشخیص علم و باور متهم تعیین کرد که قابل توجه است. مرجع یادشده اظهار داشت که هنگامی که شخص دارای علم دسته اول (First-hand

knowledge)، مسروقه بودن اموال را به متهم اعلام دارد، وی آگاه به این امر تلقی می‌شود؛ همچنین باورداشتن به وضعیت ذهنی فردی صدق می‌کند که به خودش بگوید: من نمی‌توانم با قاطعیت بگویم که علم به مسروقه بودن اموال دارم، اما با توجه به شرایط موجود، نتیجه معقول دیگری نیز متصور نیست (Herring, 2005, P. 291; (Card, op. cit., P. 465; Jefferson, op. cit., P. 665).

۴. مجازات مداخله در اموال مسروقه

مجازات جرم مداخله در اموال مسروقه در حقوق ایران شامل حبس و شلاق می‌شود و در حقوق انگستان، صرفاً موجب تحمیل مجازات حبس است. شرح مختصری درباره میزان مجازات‌های یادشده در این دو نظام حقوقی ضروری به نظر می‌رسد که در ذیل به آن می‌پردازیم:

با توجه به ماده ۶۶۲ «ق.ت» ۱۳۷۵، در حقوق ایران، مجازات جرم مداخله در اموال مسروقه عبارت است از: شش ماه تا سه سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق. در موردی که مرتکب معامله اموال مسروقه را حرفه خود قرار دهد، مجازات او حداکثر مجازات یادشده خواهد بود. پرسشی که می‌توان مطرح کرد آن است که چه زمان می‌توان گفت که مداخله‌کننده، معامله اموال مسروقه را حرفه خود قرار داده است؟ در پاسخ به این پرسش دو جواب قابل طرح است:

نخستین پاسخی که به ذهن می‌رسد این است که حرفه قراردادن یک عمل مستلزم انجام مکرر و به دفعات آن است؛ تا حدی که عرفاً عنوان «حرفه قراردادن» بر عمل صدق کند.

از سوی دیگر، در پاسخ به پرسش طرح‌شده، این اعتقاد وجود دارد که تکرار عمل مجرمانه تنها یک قرینه است که می‌توان بر اساس آن، این موضوع را ثابت کرد؛ اما در مواردی هم که شخصی برای مرتبه اول مرتکب جرم مداخله می‌شود، اگر با قراین دیگری بتوان ثابت کرد که وی شغل خود را خرید و فروش اموال مسروقه قرار داده است، می‌توان او را بر اساس قسمت اخیر ماده ۶۶۲ محکوم کرد. همچنین کسی که چند بار به‌طور اتفاقی اموال مسروقه را خریداری می‌کند، صرف تکرار این عمل را نمی‌توان دلیلی دانست بر اینکه او لزوماً معامله اموال مسروقه را حرفه خود قرار داده است (ر.ک. میر محمد صادقی، پیشین، ص ۳۲۲).

در خصوص پاسخ‌های یادشده، به نظر می‌رسد که هر کدام نیمه گمشده‌ای دارند که بدون آن قابل استناد نیستند. توضیح آنکه اگرچه هر تکراری لزوماً به معنای حرفه قراردادن معامله اموال مسروقه نیست (برای مشاهده نظر مخالف ر.ک. زراعت،

۱۳۸۸، ص ۹۹)، اما صرف قصد شخص دایر بر حرفه قراردادادن اموال مسروقه نیز نمی‌تواند عامل تشدید تلقی شود (ر.ک. شکری و سیروس، ۱۳۸۱، ص ۷۰۱). بنابراین لازم است که متهم عمل خود را تکرار کند و ضمناً قصد او از این تکرار، حرفه قراردادادن معامله اموال مسروقه باشد. این مطلب به معنای آن است که هر دو ضابطه عینی و ذهنی باید توأمان ملاک قرار گیرند تا برای تشخیص موضوع، قابل قبول تر جلوه کنند.

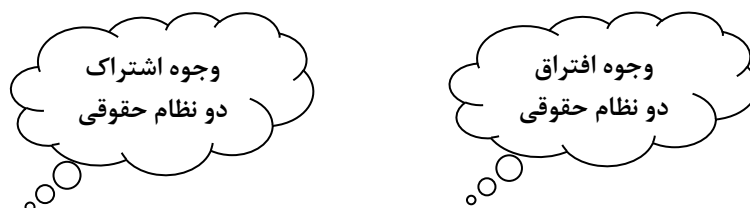
در حال باید یادآور شد که با توجه به ماده ۵۵۹ «ق.ت» ۱۳۷۵، خریدن یا پنهان کردن اشیا دارای حیثیت فرهنگی - تاریخی از شمول ماده ۶۶۲ خارج بوده، دارای مجازات یک تا پنج سال حبس می‌باشد. البته مداخله در اشیای یادشده صرفاً با رفتارهای فیزیکی «خریدن» یا «پنهان کردن» متصور است و لذا دیگر مصادیق رفتارهای فیزیکی جرم مداخله، مشمول حکم عام ماده ۶۶۲ می‌شود.

در مقابل رویکرد قانون‌گذار ایران، قانون‌گذار انگلیسی در بند ۲ ماده ۲۲ از قانون سرقت سال ۱۹۶۸ م (S. 22 (2) of the Theft Act 1968)، مجازات جرم مداخله را مقرر داشته است. بر این اساس، شخصی که محکوم به جرم مداخله می‌شود، مجازات او حداکثر ۱۴ سال حبس خواهد بود. توضیح بیشتر آنکه قانون‌گذار انگلیسی حداقل مجازات برای این جرم را مدنظر قرار نداده است و به ذکر حداکثر مدت زمان حبس اکتفا کرده است. بنابراین قاضی پرونده می‌تواند با لحاظ شرایطی از قبیل نحوه ارتکاب جرم، خصوصیات مرتکب جرم و میزان خسارات وارده، مجازات متناسبی را برای مجرم در نظر گیرد؛ بدیهی است که این مجازات نمی‌تواند از حداکثر یادشده فراتر رود (For Further Reading See Gooch & Williams, 2007, P. 178; Martin, 2003, PP. 226 & 227).

در باره میزان مجازات این جرم، مطلب قابل توجه آن است که در مقایسه با جرم سرقت، مجازات آن بیشتر در نظر گرفته شده است؛ به نحوی که بر اساس ماده ۷ قانون سرقت سال ۱۹۶۸ م (S. 7 of the Theft Act 1968) (اصلاح‌شده به موجب بند ۱ ماده ۲۶ قانون عدالت کیفری ۱۹۹۱ م (S. 26 (1) of the Criminal Justice Act)، مجازات جرم سرقت از ۷ سال حبس فراتر نخواهد رفت. این رویکرد قانون‌گذار انگلیسی از آن روست که نقش مداخله‌کنندگان را به عنوان عوامل محرکه جرم سرقت، پررنگ تلقی کرده، مستلزم سیاست کیفری شدیدتری دانسته است تا به این وسیله به‌طور ضمنی از ارتکاب سرقت نیز جلوگیری کند.

۵. وجوه افتراق و اشتراک دو نظام حقوقی

اهم وجوه افتراق و اشتراک دو نظام حقوقی ایران و انگلستان در خصوص جرم مداخله را می‌توان در جدول زیر جستجو کرد:



<p>۱. جرم مداخله در اموال مسروقه در هر دو نظام حقوقی ایران و انگلستان، از زمره جرایم مطلق محسوب می‌شود که نیازی به تحقق نتیجه مجرمانه خاصی ندارد و صرف انجام عمدی هریک از رفتارهای فیزیکی مربوطه کفایت می‌کند.</p> <p>۲. تحصیل، نگهداری و خرید و فروش اموال مسروقه از جمله رفتارهای فیزیکی است که در هر دو نظام حقوقی می‌تواند به تحقق جرم مداخله منجر شود. البته خرید و فروش اموال مسروقه در حقوق انگلستان، زیر هریک از عناوین اداره یا تبدیل به پول کردن اموال مسروقه قابل بررسی است.</p> <p>۳. ارتکاب قبلی سرقت، مسروقه بودن اموال موضوع جرم، تعدد فاعل (سارق و مداخله‌کننده) و انجام مداخله در غیر از جریان سرقت، شرایطی هستند که در هر دو نظام حقوقی ملاک قرار گرفته‌اند.</p> <p>۴. عنصر روانی جرم مداخله در هر دو نظام حقوقی، افزون بر علم و آگاهی مداخله‌کننده به مسروقه بودن اموال، شامل جزء جایگزینی نیز می‌باشد. این جزء در حقوق ایران عبارت است از ظن ناشی از قراین اطمینان‌آور، و در حقوق انگلستان، باور مداخله‌کننده مبنی بر مسروقه بودن اموال موضوع جرم.</p>	<p>۱. عنصر مادی جرم مداخله در حقوق ایران در قالب چهار رفتار فیزیکی متصور است؛ اما در حقوق انگلستان، رفتارهای مربوطه به ۱۸ صورت قابل ارتکاب می‌باشند.</p> <p>۲. در حقوق انگلستان، مداخله در اموال مسروقه در برخی از صور رفتارهای فیزیکی با ترک فعل نیز قابل ارتکاب است، اما در حقوق ایران صرفاً فعل مثبت می‌تواند به ارتکاب جرم مداخله منجر شود.</p> <p>۳. مفهوم اموال مسروقه در حقوق انگلستان، افزون بر اموالی که به معنای واقعی به‌سرقت رفته‌اند، شامل اموالی که از ارتکاب برخی دیگر از جرایم به‌دست آمده است نیز (از جمله اخاذی) می‌شود؛ اما در حقوق ایران صرفاً اموالی که از جرم سرقت به‌دست آمده است، مسروقه قلمداد می‌شود.</p> <p>۴. عنصر روانی جرم مداخله در حقوق انگلستان، افزون بر علم یا باور مداخله‌کننده به مسروقه بودن اموال، عمل فی‌نفسه توأم با سوءنیت را نیز دربر می‌گیرد؛ اما در حقوق ایران، عنصر روانی جرم محدود است به علم یا ظن ناشی از قراین اطمینان‌آور به مسروقه بودن اموال.</p> <p>۵. نوع مجازات جرم یادشده در حقوق ایران شامل حبس و شلاق است، اما در حقوق انگلستان صرفاً شامل حبس می‌باشد. همچنین در حقوق ایران، مجازات مداخله‌کننده در مواردی که معامله اموال مسروقه را حرفه خود قرار داده باشد، تشدید می‌گردد؛ اما این موضوع در حقوق انگلستان مدنظر قانون‌گذار قرار نگرفته است.</p>
--	---

۶. نتیجه و راهکارها

تحلیل تطبیقی جرم مداخله در اموال مسروقه، روشن ساخت که باوجود توجه قانون‌گذار ایران به این جرم و در نظر گرفتن ماده قانونی خاصی برای آن، نقایصی در رویکرد قانون‌گذار وجود دارد که امکان مقابله مؤثر با مرتکبان این جرم را فراهم نمی‌سازد. براین اساس، از آنجا که مداخله‌کنندگان در اموال مسروقه، انگیزه ارتکاب جرم سرقت را بالا برده و به این شکل موجبات اخلاف در نظم عمومی جامعه را فراهم می‌سازند، در راستای اعمال سیاست کیفری مناسب، راهکارهای زیر را می‌توان پیشنهاد کرد:

- گسترش قلمرو رفتارهای فیزیکی تشکیل‌دهنده عنصر مادی جرم. توضیح آنکه در حال حاضر، رفتارهای فیزیکی جرم یادشده منحصر در چهار فعل تحصیل، اخفا، قبول کردن و معامله کردن است؛ این در حالی است که ممکن است افرادی یافت شوند که رفتارهایی غیر از موارد یادشده را مرتکب شوند و به دلیل نبود حکم قانونی، مسئولیت کیفری را متحمل نشوند. برای مثال، در صورتی که شخصی مال مسروق را صرفاً نگهداری کند، بی‌آنکه عمل وی مشمول عنوان مخفی کردن قرار گیرد، با توجه به حصری بودن رفتارهای پیش گفته، می‌توان در شمول ماده قانونی (ماده ۶۶۲ «ق.ت.» ۱۳۷۵) نسبت به عمل او تردید کرد. همچنین، فراهم کردن ترتیبات انجام هریک از رفتارهای اشاره شده نیز می‌تواند برای گسترش قلمرو رفتارهای فیزیکی جرم مداخله مدنظر قرار گیرد؛ موضوعی که در حقوق انگلستان قانون‌گذار به آن توجه کرده است.

بنابراین، ابتدا لازم است که با انجام تحقیقی به این پرسش پاسخ داده شود که چه رفتارهای دیگری به صورت رایج انجام می‌شوند، اما در داخل مشمول ماده قانونی نیستند؟ سپس دیگر رفتارهای رایج‌تر را هم در عنصر مادی جرم لحاظ کرد.

- تصریح به شمول یا عدم شمول حکم قانونی به سارقان. باوجود اینکه برای عدم شمول جرم مداخله به سارقان دلایلی متقنی قابل ارائه است، چه بسا که این مسئله موضوع اختلاف واقع شود. از این رو، لازم است قانون‌گذار در قالب تبصره‌ای الحاقی به ماده قانونی مربوط، به این موضوع بپردازد که مخاطب حکم قانونی افرادی غیر از سارقان هستند و به این وسیله از بروز هرگونه اختلافی جلوگیری کند. این موضوع با اضافه کردن عباراتی مانند «هر کس غیر از سارق...» در ابتدای ماده قانونی نیز امکان‌پذیر است.

- افزایش میزان مجازات جرم. در این خصوص رویکرد قانون‌گذار قابل انتقاد است؛ به این معنا که سرقت‌های تعزیری یادشده در مواد ۶۵۱ تا ۶۶۱ «ق.ت.» ۱۳۷۵، اغلب دارای مجازات سنگین‌تری نسبت به جرم مداخله هستند. پیداست که علت این اختلاف و تفاوت این است که مباشرت در جرم سرقت، جرم اصلی است و امنیت اجتماعی را

مختل می‌کند؛ باین‌حال، به دلیل تأثیر قابل توجه جرم مداخله در ایجاد انگیزه برای سارقان و تسهیل کسب منفعت نامشروع از سوی آنها، ضروری است که میزان مجازات جرم مداخله نیز تاندازه‌ای افزایش یابد. البته این موضوع در خصوص مجازات شلاق صدق نمی‌کند، چراکه عبارت «تا ۷۴ ضربه شلاق» در عنصر قانونی جرم مداخله به پیروی از قاعده «التعزیر دون الحد» به کار رفته است و از سوی دیگر در مواد قبل از آن نیز به همین صورت مدنظر قرار گرفته است.

منابع

۱. ایرانی ارباطی، بابک [گرد آورنده]، (۱۳۸۶)، مجموعه نظرهای مشورتی جزایی، جلد اول، چاپ دوم تهران، انتشارات مجد.
۲. _____، (۱۳۸۷)، مجموعه نظرهای مشورتی جزایی، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
۳. حبیب زاده، محمد جعفر، (۱۳۸۸)، حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اموال)، چاپ ششم، تهران، انتشارات سمت.
۴. _____، (۱۳۸۹)، سرقت در حقوق کیفری ایران، چاپ دوم، تهران، نشر دادگستر.
۵. زراعت، عباس، (۱۳۸۵)، حقوق جزای اختصاصی ۲ (جرایم علیه اموال و مالکیت)، چاپ اول، تهران، انتشارات فکرسازان.
۶. _____، (۱۳۸۸)، شرح قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات ۳)، چاپ دوم، تهران، انتشارات ققنوس.
۷. شکری، رضا و سیروس، قادر، (۱۳۸۱)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، چاپ اول، تهران، نشر مهاج.
۸. گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۸)، محشای قانون مجازات اسلامی، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات مجد.
۹. میر محمد صادقی، حسین، (۱۳۸۱)، جرایم علیه اموال و مالکیت، چاپ نهم، تهران، نشر میزان.
۱۰. هرینگ، جانانان، (۱۳۹۲)، مبانی حقوق کیفری انگلستان، ترجمه امیر اعتمادی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.

11. Ashworth, Andrew, (2009), Principles of Criminal Law, Sixth Edition, New York, Oxford University Press
12. Baird, Norman, (2010), Criminal Law (2009- 2010; Questions & Answers Series), Seventh Edition, London, Routledge-Cavendish
13. Card, Richard, (2006), Criminal Law, Seventeenth Edition, New York, Oxford University Press.
14. Childs, Penny, (2005), Criminal Law (Nutcases), Fourth Edition, London, Sweet & Maxwell.

15. Clarkson, (2005), CMV, Understanding Criminal Law, Fourth Edition, London, Sweet & Maxwell.
16. Cook, Kate et al, (2009), Core Statutes on Criminal Law, First Published, London, Palgrave Macmillan.
17. Elliott, Catherine & Quinn, Frances, (2010), Criminal Law, Eighth Edition, London, Pearson Education Limited.
18. _____, (2009), English Legal System, Tenth Edition, London, Pearson Education Limited.
19. Geary, Roger, Understanding Criminal Law, (2002), First Published, London, Cavendish Publishing Limited.
20. Gooch, Graham, Williams, Michael, (2007), A Dictionary of Law Enforcement, First Published, New York, Oxford University Press.
21. Heaton, Russell, (2006), Criminal Law, Second Edition, New York, Oxford University Press.
22. Herring, Jonathan, (2005), Criminal Law, Fourth Edition, London, Palgrave Macmillan.
23. _____, (2010), Criminal Law; The Basics, First Published, London, Routledge
24. Huxley-Binns, Rebecca, (2009), Criminal Law, First Published, New York, Oxford University Press.
25. Jefferson, Michael, (2009), Criminal Law, Ninth Edition, London, Pearson Education Limited.
26. Martin, Elizabeth A., (2003), A Dictionary of Law, Fifth Edition, New York, Oxford University Press.
27. Molan, Mike, (2008), Cases & Materials on Criminal Law, Fourth Edition, London, Routledge-Cavendish.
28. Phillips, Edward et al, (2001), Law Relating to Theft, First Published, London, Cavendish Publishing Limited.
29. Theft Act 1968.
30. Theft (Amendment) Act 1996, published
in: <http://www.legislation.gov.uk/ukpga/1996/62/contents> - 19/04/2014.